

سیاست همسایگی و احیای روابط ایران و بحرین

رئوف رحیمی^۱، بهاره سازمند^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

چکیده: بحرین تنها کشور شورای همکاری خلیج فارس است که هنوز روابط دیپلماتیک خود را با ایران عادی نکرده است. متحدان اصلی منطقه‌ای آن، عربستان و امارات بیش از یک سال پیش روابط خود را با ایران بهبود بخشیدند. هدف پژوهش حاضر که با روش پژوهش کیفی و رویکرد تبیینی انجام می‌شود، بررسی مزایا و چالش‌های احیای روابط دو کشور است. در این راستا، سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا روابط دیپلماتیک بحرین و ج. ا. ایران پس از چهار بار قطع رابطه مجدداً به‌سوی احیا پیش می‌رود؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود، در شرایط جدید جهانی و منطقه‌ای، نگاه حکومت بحرین این است که اگر بتواند روابط نزدیکی با تهران داشته باشد؛ زمینه‌های تعارض بین ایران و بحرین کمتر خواهد شد و امکان اینکه مجدداً جنبش‌های اعتراضی مورد حمایت ایران در این کشور فعالیت کنند کاهش پیدا خواهد کرد. همچنین احیای روابط بحرین با ایران می‌تواند در صلح و ثبات منطقه‌ای و تداوم رشد اقتصادی بحرین نقش مؤثری داشته باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اصلی‌ترین مؤلفه‌ای که بحرین را به سمت احیای روابط با ایران کشانده است، شرایط جدید جهانی و منطقه‌ای؛ مؤلفه‌های امنیتی و ملاحظات مبتنی بر ایجاد ثبات در بحرین است؛ یعنی حکومت بحرین نیازمند ثبات است و به این نتیجه رسیده است که یکی از عواملی که منجر به تهدید در این کشور می‌شود ایران است و باید به سمت روند تنش‌زدایی با این کشور حرکت کند تا احساس ثبات بیشتری در منطقه پرآشوب کند و رشد اقتصادی خود را تداوم بخشد.

واژگان اصلی: احیای روابط دیپلماتیک، منطقه خلیج فارس، موازنه منطقه‌ای، سیاست همسایگی، ثبات و

امنیت

^۱ استادیار علوم سیاسی دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول). r.rahimi@ub.ac.ir

^۲ دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بحرین در طول تاریخ، بیشتر زمان‌ها، بخشی از خاک کشور ایران بوده است. در سال ۱۷۸۳ میلادی، بحرین با دخالت بریتانیا به تدریج از زیر نفوذ ایران خارج شد و حکومت آن در اختیار اقلیت سنی آل خلیفه قرار گرفت. طی چند دهه گذشته و با دست برداشتن ایران از ادعای مالکیت بحرین، ترکیب جمعیتی عمدتاً شیعه بحرین، از ایران اثرات زیادی پذیرفته است و ناآرامی‌های زیادی را تجربه کرده است. شیعیان بحرینی و گروه‌های مخالف دولت در بحرین از پیروزی انقلاب اسلامی ایران خوشحال شدند. پس از پیروزی انقلاب، شیعیان بحرین راهپیمایی‌هایی را در حمایت از انقلاب تدارک دیدند. در آذر ماه سال ۱۳۶۰، دولت بحرین گروه‌هایی از شیعیان بحرین را به اتهام اقدام مسلحانه علیه حاکمیت این کشور دستگیر کرد. در میان اتهامات وارده، دیدن آموزش‌های نظامی در ایران نیز وجود داشت. ایران این اتهام را تکذیب کرد، ولی بحرین سفارت خود را در تهران تعطیل کرد و سطح روابط دو کشور به کاردار تقلیل یافت. در سال ۱۹۸۱ پیمان نظامی شورای همکاری خلیج فارس عمدتاً باهدف زیر نظر داشتن تحرکات ایران منعقد شد. با خاتمه جنگ ایران و عراق، روابط دو کشور رو به بهبود رفت؛ ولی این روابط مجدداً با حمایت بحرین از ادعای امارات در مناقشه جزایر سه‌گانه رو به تیرگی گذاشت که در نهایت با دخالت سوریه بهبود یافت. در سال ۱۳۷۵ نیز بروز کودتایی نافرجام در بحرین به ایران نسبت داده شد که با تکذیب ایران روبرو شد. طی سال‌های پس از انقلاب، دولت ایران هیچ‌گاه رسماً حاکمیت بحرین را زیر سؤال نبرد؛ بلکه تنها دو بار، در واکنش به ادعای حاکمیت ایران بر بحرین از سوی روزنامه کیهان در سال ۱۳۸۵ و علی‌اکبر ناطق نوری در سال ۱۳۸۷، مجبور شد رسماً بر حق تمامیت ارضی بحرین، تأکید نماید. در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۹۴، پس از قطع روابط دیپلماتیک عربستان با ایران، وزارت خارجه بحرین در ادامه پیروی از سیاست‌های عربستان، با صدور بیانیه‌ای از قطع روابط دیپلماتیک خود با ایران خبر داد. هم‌اکنون بعد از ۹ سال قطع رابطه ایران و بحرین، حمد بن عیسی آل خلیفه، پادشاه بحرین در اقدامی بی‌سابقه از پوتین، رئیس‌جمهور روسیه خواست تا میان این کشور و ایران میانجیگری کند. این درخواست در سفر ۲۳ می ۲۰۲۴، پادشاه بحرین به مسکو مطرح شد. پادشاه بحرین طی اظهاراتی گفته است آن‌ها به حسن هم‌جواری با همسایگان خود فکر می‌کنند. از نظر او، حمایت پوتین از این موضوع مورد استقبال عموم مردم بحرین و شخص پادشاه است. از نظر او مشکلی میان ایران و بحرین برای احیای روابط وجود ندارد و دلیلی نیز برای به تأخیر انداختن این امر وجود ندارد. هم‌زمان مقامات دولت سیزدهم در ۷ ژوئن ۲۰۲۴ تأیید کردند که بحرین از طریق روسیه درخواستی

برای برقراری مجدد روابط دیپلماتیک به ایران ارسال کرده است. بعدازآن دیدارهایی بین مقامات وزارت خارجه دو کشور انجام شد و طی صدور بیانیه‌ای در مورد سازوکارهای احیای روابط دیپلماتیک به توافق رسیدند. طرح بحث احیای روابط ایران و بحرین در سال ۲۰۲۴، پرسش‌های مختلفی را برانگیخته است. ازجمله اینکه: ۱. چرا بحرین در شرایط فعلی تصمیم گرفته است روابطش را با ایران احیا کند؟ ۲. آیا درخواست بحرین برای احیای روابط با ایران ادامه احیای روابط ایران و عربستان قرار می‌گیرد؟ ۳. کاهش تضمین امنیتی امریکا به کشورهای منطقه در رویکرد احیای روابط بحرین با ایران چه نقشی داشته است؟ ۴. احیای مجدد روابط منجر به حل کلیه اختلافات ایران و بحرین می‌شود یا خیر؟ پرسش‌های مذکور درپچه‌های جدیدی در خصوص این موضوع می‌گشاید؛ اما پاسخ به همه این پرسش‌ها در مجال پژوهش حاضر نمی‌گنجد. گذشته از تحقیقات زیادی که درزمینه رابطه ایران و بحرین انجام شده است؛ می‌توان به کمبود اطلاعات در پژوهش‌های صورت گرفته اشاره کرد. به‌طور نمونه، در مورد احیای روابط ایران و بحرین در سال ۲۰۲۴ به دلیل اینکه موضوع جدیدی است، پژوهشی از سوی پژوهشگران هنوز انجام نشده است. نوآوری پژوهش حاضر این است که مزایا و موانع احیای روابط ایران و بحرین را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی موردبررسی قرار داده است و متغیرها و شاخص‌های مهم آن‌ها را شناسایی کرده است. بنابراین پرسش پژوهشی عبارت است از، چرا روابط بحرین و ج.ا.ایران پس از چهار بار قطع رابطه مجدداً به‌سوی احیای روابط دیپلماتیک پیش می‌رود؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود، در شرایط جدید جهانی و منطقه‌ای، نگاه حکومت بحرین این است که اگر بتواند روابط نزدیکی با تهران داشته باشد؛ احتمالاً زمینه‌های تعارض بین ایران و بحرین کمتر پیدا خواهد شد و امکان اینکه مجدداً جنبش‌های اعتراضی در این کشور فعالیت کنند و موردحمایت ایران قرار گیرند، کاهش پیدا خواهد کرد. همچنین احیای روابط بحرین با ایران می‌تواند در صلح و ثبات منطقه‌ای و تداوم رشد اقتصادی بحرین نقش مؤثری داشته باشد. این پژوهش با روش کیفی و رویکرد تبیینی تلاش دارد در چارچوب سیاست همسایگی ایران در چند بخش به پرسش پژوهش پاسخ دهد تا دریچه مناسبی برای تحلیل بهتر موارد مطالعاتی حاصل شود.

چارچوب مفهومی

سیاست همسایگی هنر نحوه به‌کارگیری پویایی قدرت در فضای جغرافیایی کشورهای هم‌جوار است. سیاست همسایگی بخشی از سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود و در حلقه

نخست دکرین سیاست خارجی ایران قرارگرفته است. در سیاست همسایگی هدف دستیابی به همگرایی در عرصه‌های مختلف با همسایگان است؛ اما به دلیل تفاوت میان کشورهای همسایه از نظر منابع قدرت و سطح توسعه، روش‌های متفاوتی از سوی ایران در قبال آن‌ها اتخاذ می‌شود. مجاورت جغرافیایی در صورت فقدان عوامل تنش‌زا در روابط میان کشورها مفید است. در نظام بین‌الملل شروع روابط خارجی کشورها از روابط با همسایگان آغاز می‌شود. اصولاً کشورها نمی‌توانند بدون همسایگان خود به اهداف ملی دست یابند. اگر کشورها روابط خوب اقتصادی و سیاسی با همسایگان خود نداشته باشند، بای ثباتی، ناامنی و درگیری مرزی مواجه می‌شوند. از این رو، استقرار امنیت و ثبات در مرزهای کشور و تأمین منافع ملی کلیدی‌ترین اولویت ایران در قبال همسایگان است. الگوی سیاست همسایگی که از سوی صاحب‌نظران داخلی ارائه شده است، الگوی سه‌بعدی است که شامل حوزه مفاهمه، معامله و مقابله است. ایران با کشورهایی مانند عراق، سوریه، یمن، لبنان در حوزه مفاهمه؛ با کشورهایی مانند ترکیه، پاکستان، ارمنستان، آذربایجان، افغانستان، قطر، عمان، ترکمنستان و روسیه در حوزه معامله و با عربستان، بحرین و امارات تا اکنون کم‌ویش در حوزه مقابله قرار گرفته است (گوهری مقدم و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۵). در استراتژی دولت سیزدهم «اول همسایگان» مطرح شد تا خروج از انزوای منطقه‌ای به‌عنوان ابزاری برای مقابله با تأثیر تحریم‌های غرب علیه ایران تحقق پیدا کند. رئیس‌جمهور سابق بلافاصله پس از انتخاب به ریاست جمهوری ایران در سال ۲۰۲۱ اعلام کرد که یکی از اهداف کلیدی سیاست خارجی او بهبود روابط ایران با کشورهای همسایه خواهد بود. ظرف چند ماه، دولت جدید در تهران «سیاست همسایگی» را بیان کرد که در هسته خود باعث بهبود روابط با همسایگان عرب ایران و به‌ویژه با عربستان شده است.

تلاش‌های ایران برای بهبود روابط با همسایگانش تازگی ندارد، زیرا در دولت‌های سابق در دوره ج.ا. ایران حضور برجسته‌ای داشته است. بالین حال، این اولین بار است که دولت ایران به‌طور رسمی سیاست همسایگی را به‌عنوان یک دکرین رسمی پذیرفته است. (خبرگزاری فارس، ۲۷ مرداد، ۱۴۰۳). علیرغم تلاش‌های گاه‌وبیگاه رهبران جمهوری اسلامی برای بهبود روابط ایران با همسایگان عرب خود، اما روابط ایران و اعراب از زمان انقلاب اسلامی ایران به‌طور مداوم پرتنش باقی‌مانده بود. جنگ سرد ایران و اعراب زمانی آغاز شد که در ژانویه ۲۰۱۶، گروه‌هایی در تهران و مشهد به ترتیب به سفارت و کنسولگری عربستان حمله کردند و ساختمان‌ها را به آتش کشیدند. (Reuters, 2016:1) این حملات در پس‌زمینه جنگ‌های داخلی در سوریه و یمن رخ داد؛ جایی

که ایران و بسیاری از همسایگان عرب آن خود را در حمایت از طرف‌های متضاد یافتند. درواقع، سوریه و یمن به میدان‌های اصلی نبرد تبدیل شدند که در آن گروه‌های نیابتی موردحمایت ایران با گروه‌هایی که توسط عربستان و متحدان عرب آن حمایت مالی می‌شدند، جنگیدند (Hubbard, 2018:1).

دولت سیزدهم در پیگیری سیاست همسایگی یا روابط حسن هم‌جواری خود، تصمیم گرفت که عربستان کلید بهبود روابط آن با بقیه جهان عرب است؛ زیرا عربستان سایر پایتخت‌های عربی را تهدید می‌کرد که نسبت به تهران سرد بمانند، در نتیجه روابط ایران با اعراب بهبود پیدا نمی‌کرد. با احیای روابط ایران با عربستان در مارس ۲۰۲۳، زمینه برای احیای روابط با سایر کشورها از جمله بحرین فراهم شد. جدا از ملاحظات خاص سیاسی و استراتژیک که ممکن است هر از چند گاهی ظاهر شود، سه مجموعه از عوامل ساختاری - در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی - اجرای مؤثر سیاست حسن هم‌جواری تهران با اکثر کشورهای عربی منطقه تضعیف می‌کند. تا زمانی که این موانع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی حل نشوند، تلاش‌های ایران برای بهبود روابط با همسایگان، در بهترین حالت تنها تا حدی مؤثر خواهد بود. سیاست حسن هم‌جواری یا همسایگی اولین تلاش جدی ایران در یک دهه اخیر برای تعمیق روابط با همسایگانش است. در سال ۲۰۱۷ در رابطه با قطر از این سیاست استفاده شد (Kristian Coates Ulrichsen, 2020:1). ایران با آغاز قیام‌های اعراب، پس از اعمال تحریم‌ها علیه دوحه توسط عربستان و متحدانش، اقداماتی در جهت بهبود روابط با قطر انجام داد. توسعه این روابط به تدریج ایران را به بهبود روابط خود با سایر کشورهای عربی امیدوار کرد. در این راستا، مهم‌ترین اقدام سیاست همسایگی ایران در سال ۲۰۱۹ تحت حمایت ابتکار صلح هرمز توسط دولت دوازدهم، انجام شد. ابتکار مذکور، برای یافتن راه‌حلی جهت تأمین امنیت خلیج فارس و تضمین امنیت انرژی، آزادی دریانوردی، تبادل اطلاعات، کنترل تسلیحات، پیشگیری از درگیری و عدم تجاوز طراحی شده بود. ولی این پیشنهاد نتوانست پاسخ مثبت همسایگان عرب ایران را به دنبال داشته باشد. در آن زمان، عربستان، بحرین و امارات امیدوار بودند که سیاست فشار حداکثری آمریکا بر ایران به ثمر برسد و به تغییر رژیم یا حداقل تغییر در رفتار رهبران ایران منجر شود. دولت بایدن در سال ۲۰۲۱ روی کارآمد و سعودی‌ها و اماراتی‌ها داغ اشتباهات خود را در جنگی که در سال ۲۰۱۵ علیه یمن به راه انداخته بودند احساس کردند. آرام‌آرام، پادشاهی متوجه شد که تنش‌زدایی با ایران ممکن است به نفع آن باشد (Kizilaslan, 2021:1-2).

از نظر عربستان، عوامل متعددی مؤثر بوده است. این ملاحظات شامل جنگ غیرقابل پیروزی در

یمن بود. شکست‌های آشکار سیاست‌های بسیار تقابل آمیز در قبال ایران و قطر؛ اثرات مرکب همه‌گیری کووید ۱۹ و نیاز به بازسازی وجهه جهانی آن پس از قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار سعودی. به نظر می‌رسد تمرکز بر توسعه اقتصادی داخلی به‌ویژه جابه‌طلبی‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰ و پروژه‌های زیرساختی عظیم، بر پذیرش اقدامات کاهش تنش با ایران از سوی عربستان مؤثر بود. همه این‌ها در چارچوب کاهش آشکار تعامل دیپلماتیک امریکا در خاورمیانه، حداقل آن‌گونه که از طریق پایتخت‌های منطقه تلقی می‌شود، اتفاق افتاده است (Lynch, 2019:2-3). برای سعودی‌ها، خروج ظاهری امریکا از منطقه باعث شده است که نزدیکی با ایران نه تنها مطلوب، بلکه از بسیاری جهات یک ضرورت باشد. پادشاه عربستان در سخنرانی سال ۲۰۲۱ خود در مجمع عمومی، لحن تند قبلی خود را در قبال ایران ملایم کرد. او گفته بود، ایران یک کشور همسایه است. آن‌ها امیدوار هستند که گفتگوهای اولیه با ایران به اقدامات اعتمادسازی ملموس منجر شود، اقداماتی که به آرمان دو ملت برای روابط مشترک بر اساس تعهد به اصول و قطعنامه‌های بین‌المللی، احترام به حاکمیت و عدم‌مداخله در امور داخلی منجر شود. (Salman Bin Abdulaziz Al-Saud, 2021:1) ایران نیز به‌نوبه خود کاهش تنش‌ها با عربستان را مهم‌ترین شاخصه سیاست همسایگی خود دانست. از دیدگاه ایران تنش‌زدایی با عربستان می‌تواند نقطه شروعی برای بهبود روابط با سایر کشورهای عربی و برقراری صلح و ثبات در منطقه باشد.

به همین دلیل دولت سیزدهم سیاست همسایگی را اولویت اصلی روابط بین‌الملل ایران دانسته بود. سرانجام در مارس ۲۰۲۳، در نتیجه مذاکرات محرمانه انجام‌شده در پکن که مدتی با میانجیگری عراق و عمان ادامه داشت، ایران و عربستان از آغاز احیای روابط دیپلماتیک خبر دادند. نکته قابل‌توجه این است که اندکی پس از آغاز روابط ایران و عربستان، ایران و بحرین نیز آغاز مجموعه‌ای از اقدامات اعتماد ساز و کاهش تنش از جمله ازسرگیری پروازهای مسافربری، بازدید هیئت‌های پارلمانی را اعلام کردند. در همین حال، ایران و امارات تعدادی از تعاملات امنیتی در سطح بالا را آغاز کرده بودند که به زمان دولت دوازدهم بازمی‌گردد. پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم، چنین مبادلاتی، مکرر و اساسی‌تر شد و به برقراری رسمی روابط دیپلماتیک کامل بین دو طرف در آوریل ۲۰۲۳ ختم شد. وزیر امور خارجه سابق ایران در دولت سیزدهم، با اشاره به اینکه تنش‌زدایی با عربستان کلید آشتی با سایر کشورهای عربی است، گفته بود، ایران به گفتگوی بیشتری نیاز دارد. ایران و عربستان بر سر برخی مسائل به توافقاتی دست‌یافته‌اند و از این گفتگو استقبال می‌کنند. ایران و

عربستان دو کشور مهم هستند و نقش بسیار مهمی در تثبیت امنیت منطقه ایفا می‌کند (خبرگزاری تسنیم، ۱۶ مهر، ۱۴۰۰). محمد جمشیدی، یکی دیگر از مقامات عالی‌رتبه دولت سیزدهم نیز گفته بود، یکی از پایه‌های اصلی سیاست خارجی دولت، سیاست همسایگی است. در ژانویه ۲۰۲۲، وزارت امور خارجه ایران همایشی با عنوان «همسایگی» برگزار کرد که طی آن احمد وحیدی وزیر سابق کشور تا آنجا پیش رفت که پیشنهاد ایجاد «وزارت همسایه» را مطرح کرد که وظیفه پیشبرد سیاست همسایگی دولت را بر عهده داشته باشد (خبرگزاری تسنیم، ۴ بهمن، ۱۴۰۰). سخنران دیگر گفته بود، مشکل همسایگان ناشی از نبود سازمان یا نبود وزارت امور همسایگان نیست؛ بلکه مشکل به برداشت‌ها، سیاست‌ها، رویدادهای تاریخی، سیاسی و کنش‌ها و واکنش‌هایی برمی‌گردد که جهت وقایع منطقه را تغییر می‌دهد. سیاست همسایگی ایران باهدف ایجاد نظم منطقه‌ای جدید مطرح شده است (Kamrava, 2007: 84-87). در دوران دولت سیزدهم، روابط حسن هم‌جواری و سیاست مکمل آن «نگاه به شرق» به تعدادی از اهداف اعلام‌شده خود دست‌یافت. سیاست حسن هم‌جواری یا همسایگی اگر در دولت چهاردهم و بعدازآن ادامه پیدا کند، احتمالاً ایران شاهد تعمیق روابط سیاسی، اقتصادی و شاید امنیتی با همسایگان خود خواهد بود.

بحران هویت و مشکلات سیاسی-اجتماعی در بحرین

در مقایسه با سایر اعراب، شهروندان خلیج فارس خود را بیشتر به سیاست علاقه‌مندتر نشان می‌دهند، احتمال بیشتری برای شرکت در اقدامات اعتراضی سیاسی دارند و کمتر به دولت‌هایشان احترام می‌گذارند. بااین‌حال، علیرغم این شور و شوق سیاسی مردمی، به‌نوعی این رژیم‌های خلیج فارس به‌عنوان یک طبقه متمایز از دولت هنوز هم از ثبات سیاسی بیشتری نسبت به سایر کشورهای عربی برخوردار هستند. اما برخی از رژیم‌های عربی خلیج فارس مانند بحرین قادر به خرید حمایت سیاسی با منافع اقتصادی نیستند؛ زیرا رفاه مادی، دیدگاه‌ها و رفتار سیاسی اعراب عادی بحرین را تعیین نمی‌کند. دولت بحرین نیز به‌طور یکسان مایل و قادر به ارائه چنین معامله ثروت در برابر سکوت نیست. فرض دولت رانتیر که از علم اقتصاد سرچشمه گرفته بود، این بود که شهروندان و حاکمان منطقی با خوشحالی امتیازات سیاسی را با منافع مادی مبادله می‌کنند (Bebawi, 1987: 383-385). بر اساس تحقیقات اخیر این فرض نادرست است؛ زیرا تقسیم گسترده جامعه بحرین به حوزه‌های سنی و شیعه اجازه نمی‌دهد هماهنگی سیاسی توده‌ای بر مبنای اقتصادی شکل بگیرد. برجستگی سیاسی قومیت و مذهب در بحرین حکم می‌کند که در نزد

شهروندان عادی، فقط رضایت اقتصادی بر دیدگاه‌ها و رفتار سیاسی تأثیرگذار نباشد؛ بلکه موقعیت فرد از نظر قومی-مذهبی و ترس او از تسلط گروه رقیب بر جامعه تعیین‌کننده رفتار سیاسی است. بر این اساس، برای شیعیان به حاشیه رانده‌شده سیاسی، مخالفت با وضعیت موجود بحرین ناشی از نارضایتی مادی صرف نیست؛ بلکه اساساً از وضعیت آن‌ها به‌عنوان یک گروه بیرونی به لحاظ سیاسی باوجود برخورداری از اکثریت جمعیت ناشی می‌شود.

درعین‌حال، تحریک این نوع بسیج سیاسی قومی-مذهبی علیه رژیم از سوی شیعیان بحرین، از وجود سنی‌های عادی بحرین ناشی می‌شود؛ زیرا سنی‌های بحرین برخلاف شیعیان این کشور می‌خواهند نظام حاکم را حفظ کنند. بنابراین در جامعه رانتی مورد مناقشه قومی-مذهبی، نه‌تنها اپوزیسیون، بلکه جناح طرفدار دولت نیز معامله ثروت مادی دولت در برابر سکوت سیاسی را رد می‌کنند؛ زیرا به نظر آن‌ها نیز مبارزه سیاسی برای حفظ رژیم، چیزی مهم‌تر از ثروت مادی است. دلیل آن این است که احساس می‌کنند؛ اگر گروه قومی-مذهبی مقابل به قدرت برسند همه‌چیز خود را از دست می‌دهند. همچنین برای بسیاری از شیعیان بحرین، مخالفت با رژیم کنونی، موضعی است که می‌توان الهام‌بخشی آن را به‌آسانی در خود مذهب یافت، و قوس تاریخی تشیع دقیقاً قوس مبارزه و ازخودگذشتگی در برابر ستمگر سیاسی-مذهبی قدرتمندتر، اما فاسدتر است (Ross, 2008: 108).

110. لذا از نظر شیعیان بحرین خواسته‌هایشان به‌راحتی با وعده‌های شغلی یا کمک‌هزینه‌های زندگی ماهانه حل نمی‌شود. این مشکل از سمت عرضه مشارکت سیاسی توسط دولت بحرین که در یک گرفتاری واقعی هست، تشدید می‌شود؛ زیرا تلاش آن برای خرید ثبات سیاسی درواقع تنها به باز کردن درها برای افزایش بی‌ثباتی کمک می‌کند. به‌طور خاص، هر چه دولت بحرین بیشتر به دنبال خرید وفاداری سیاسی مخالفان با استفاده از جامع‌ترین ابزار مشتری مدارانه در دسترس خود به‌عنوان اقتصاد رانتی (مزایای خصوصی اعطاشده از طریق اشتغال در بخش دولتی) باشد، بیشتر خود را در معرض خطر قرار می‌دهد (Luciani, 1990: 63-65). درنتیجه، سازمان‌ها و سرویس‌های دولتی که از نظر سیاسی یا نظامی حساس تلقی می‌شوند، محدود به افراد با وفاداری سیاسی قابل‌اثبات می‌شوند. این امر وضعیتی را به وجود می‌آورد که در آن استخدام دولتی دیگر اقدام مؤثری برای کسب وفاداری سیاسی نیست، بلکه وفاداری سیاسی قابل‌اثبات پیش‌نیاز برای اکثر اشکال استخدام دولتی است. درنتیجه شهروندان شیعه نه‌تنها به‌طور سیستماتیک احتمال کمتری برای استخدام در بخش دولتی بحرین دارند، بلکه در هنگام استخدام، پست‌های حرفه‌ای پایین‌تری را اشغال می‌کنند.

برای دو شهروند باسن، جنس و سطح تحصیلات یکسان، احتمال اشتغال در بخش دولتی برای یک سنی در مقایسه با یک شیعه بحرینی حدود ۳۶ درصد بیشتر برآورد شده است. اختلاف حرفه‌ای حدود ۱۵ درصد برآورد شده است. علاوه بر این، داده‌های حاصل از نظرسنجی نشان داده است، درحالی‌که ۱۷ درصد از مردان سنی برای پلیس یا نیروهای مسلح کار می‌کنند و ۱۳ درصد از کل خانوارهای سنی گزارش داده‌اند که حداقل یک عضو آن‌ها در این خدمات شاغل بوده است، اما هیچ‌یک از ۱۲۷ مرد شیعه شاغل که اطلاعات شغلی در نظرسنجی ارائه داده‌اند، برای پلیس یا ارتش کار نمی‌کنند. تجزیه و تحلیل نظرسنجی همچنین تقدم وابستگی و هویت را در برابر رضایت اقتصادی در تعیین جهت‌گیری‌ها و رفتارهای سیاسی مردم عادی بحرین تأیید کرده است (Gengler, 2011:337-338) از سوی دیگر، تأثیر اقتصاد خانوار، ناسازگار و بسیار ضعیف‌تر از تأثیر عوامل هویتی بوده است. در نتیجه در بحرین، دیدگاه‌های سیاسی رایج بیشتر به سنی یا شیعه بودن فرد بستگی دارد تا رضایت یا عدم رضایت اقتصادی. بسیج سیاسی مبتنی بر قومی-مذهبی در بحرین صرفاً به شهروندان شیعه به عنوان اساس مخالفان دولت محدود نمی‌شود، بلکه هم‌زمان سنی‌های عادی را نیز جذب می‌کند؛ زیرا به خاطر «نیاز به مقابله با آسیب احتمالی» گرد هم می‌آیند.

تجزیه و تحلیل نشان داده است که در میان سنی‌ها و شیعیان، میزان علاقه و مشارکت سیاسی یک فرد از جمله احتمال امضای طومارها و شرکت در جلسات سیاسی، شرکت در تظاهرات سیاسی و رأی‌گیری در انتخابات پارلمانی تقریباً به‌طور کامل به دلایل غیراقتصادی تعیین می‌شود. با وجود اینکه سنی‌های بحرین عموماً بیش از شیعیان به مسائل غیرسیاسی گرایش دارند؛ اما در صورت لزوم، خود را آماده نشان می‌دهند تا در دفاع از رژیم و وضعیت سیاسی، اقدامی هماهنگ انجام دهند. وقتی از سنی‌ها و شیعیان درباره عقاید سیاسی‌شان سؤال می‌شود، خود را نادرست معرفی می‌کنند تا با دیدگاه‌هایی که صرفاً بر اساس قومیت خود به مصاحبه‌کننده‌های قوم دیگر نسبت می‌دهند، بیشتر مطابقت داشته باشند. پاسخ‌های پیش‌بینی‌شده سنی‌ها و شیعیان زمانی که به عنوان بخشی از یک مصاحبه بین قومی به دست می‌آید کاملاً وارونه می‌شود. در نتیجه شیعیان هستند که قهرمانان دولت بحرین و سنی‌ها هستند که مخالفان آن به نظر می‌رسند. در حوزه کنش سیاسی، این تأثیرات معکوس می‌شوند. در اینجا شیعیان تمایل دارند که میزان علاقه و مشارکت سیاسی خود را مبالغه کنند تا مخالفت قوی‌تر و فعال‌تری را ارائه دهند. وقتی شیعه از سنی‌ها می‌پرسد، میزان عدم مشارکت خود را مبالغه می‌کنند تا نشان دهند که جناح طرفدار دولت، مصمم‌تر هستند. به این ترتیب، بی‌اعتمادی عمیق

قومی بحرین با موضع‌گیری‌های سیاسی ترکیب می‌شود تا نه تنها یک اختلاف گسترده شیعه و سنی در دیدگاه‌ها و رفتار سیاسی ایجاد کند، بلکه مانع قابل توجهی برای تعامل اساسی اجتماعی می‌شود. دوسوم بحرینی‌ها وضعیت اقتصادی خود را خوب اعلام کرده‌اند و تنها ۲ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی وضعیت اقتصادی خود را بد تلقی کرده‌اند. مجموعاً تحلیل نظرسنجی بحرین نشان داده است که مخالفت با دولت ذاتاً از خود شیعه سرچشمه نمی‌گیرد؛ بلکه از جایگاه یک جامعه به‌عنوان یک گروه سیاسی بیرونی ناشی می‌شود. مزایای رانتی عمدتاً برای خرید حامیان سیاسی جدید استفاده نمی‌شود، بلکه برای پاداش دادن به حامیان فعلی استفاده می‌شود. بنابراین، افزایش احترام سیاسی در سطح فردی دلیل اصلی دریافت پاداش‌های بیشتر دولتی است (Gengler, 2011:342-345). در بحرین و سایر کشورهای عربی شیعه‌نشین خلیج فارس، مقوله‌های قومی-مذهبی نقاط کانونی مناسبی را برای هماهنگی سیاسی توده‌ای ارائه می‌دهند. دلیل آن فقدان مبنای جایگزین برای همکاری و همچنین فقدان انگیزه‌های نهادی برای اقدام مشترک است. درواقع، اگر شهروندان سنی بحرین تمایل دارند از نظام سیاسی حاکم حمایت کنند صرف‌نظر از اینکه این نظام به نفع شخصی آن‌ها باشد یا نه، صرفاً به این دلیل است که آن‌ها، این نظام سیاسی را به آنچه به‌عنوان جایگزین تصور می‌کنند، ترجیح می‌دهند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر صدها هزار تن از سنی‌های عادی بحرین می‌خواهند تا حد زیادی به میل خود بسیج شوند تا از تسلط انقلابیون شیعه جلوگیری کنند، چرا از منابع محدود خود برای جلب حمایت سیاسی شیعیان استفاده نمی‌کنند؛ پاسخ این است که هویت آن‌ها بر اساس شاخص‌های دولت-ملت و مدرن شکل نگرفته است و دولت آن‌ها بحران هویت را پشت سر گذاشته است.

الف. پیشینه روابط بحرین و جمهوری اسلامی ایران

پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، حاکمان جدید تهران هیچ علاقه‌ای به بازگشایی پرونده دیپلماتیک و حقوقی بحرین نداشتند. اما در اوایل دهه ۱۹۸۰، حکومت بحرین ادعا کرد تهران به دنبال سرنگونی سلطنت بحرین از طریق نیروهای نیابتی ستیزه‌جو از جمله جبهه اسلامی آزادی‌بخش بحرین است. اما از زمان قیام ۲۰۱۱، بازیگرانی که از انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌اند، خطر امنیتی بیشتری را برای دولت بحرین ایجاد کرده‌اند. این بازیگران را می‌توان در دودسته فهرست کرد: اول، گروه‌های مخفی و شبه‌نظامی. این گروه‌ها عبارت‌اند از سرایا المختار، سرایا الاشر، حزب‌الله بحرین، کتائب حزب‌الله، عصاب اهل الحق و سرایا الکرار. دوم، اعضای یک شبکه آشکارتر و البته ناشناس از افراد

جوان و فقیر به نام «ائتلاف جوانان ۱۴ فوریه» که هم به عملکرد اپوزیسیون بحرین و هم به چشم‌انداز گفتگو با دولت اعتماد ندارند. به‌طور خلاصه، هر چیزی که در بحرین منفجر می‌شود تقصیر ایران نیست و قرار دادن همه‌کسانی که مخالف دولت بحرین هستند در یک سبد اشتباه بزرگی است، زیرا ابزارهای مورد استفاده برای مبارزه با یک تهدید، ممکن است تهدیدهای بزرگ‌تری ایجاد کند. علاوه بر این، ایران نفوذ خود را لزوماً از طریق گروه‌های شبه‌نظامی بحرین اعمال نمی‌کند. ایران از طریق بازیگران سیاسی و مذهبی محلی، دستور کار نافذتر و غیر شورشی را در پادشاهی بحرین دنبال می‌کند. مورد روشن الوفاق است. الوفاق بازیگر پیشرو در گروه مخالف گسترده بحرین است. از نظر غرب بین الوفاق و تهران پیوند وجود دارد. دلیل غرب این است که شیخ علی سلمان و شیخ عیسی قاسم رهبران سیاسی و معنوی الوفاق، تحت تأثیر رهبران ایران قرار دارند؛ درحالی‌که نادرست است الوفاق ابزار ایران تلقی شود (Alfoneh, 2012: 4-5). در مارس ۲۰۱۱، پس از تسخیر میدان مروارید در منامه توسط جنبش اعتراضی، مقامات بحرینی مدعی شدند که تماس‌های اعضای تندرو مخالفان بحرین و کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را رهگیری کرده‌اند. این امر، همراه با هرج و مرج و ناامنی گسترده در کشور، دولت بحرین را بر آن داشت تا در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ خواستار مداخله نیروهای شورای همکاری خلیج فارس شود. در این زمان دولت بحرین سفیر وقت ایران در منامه را به اتهام ارائه اطلاعات نادرست از کشور بحرین اخراج کرد. بلافاصله پس از ورود کوتاه‌مدت نیروهای سعودی و اماراتی به بحرین، علی سلمان از الوفاق اظهار داشت که با نیروهای شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان «اشغالگر» رفتار خواهد کرد و در صورتی که شیعیان بحرین آسیب ببینند، از ایران درخواست حمایت خواهد کرد. این اتفاق پس‌از آن رخ داد که علی لاریجانی، رئیس سابق مجلس ایران، به کشورهای عربی خلیج فارس نسبت به مداخله در بحرین هشدار داد و علی‌اکبر صالحی، وزیر سابق امور خارجه ایران نیز گفته بود که ایران در صورت «مداخله عربستان در بحرین» بی‌کار نخواهد ماند. البته هیچ‌کدام از این‌ها هماهنگی مواضع سلمان و مقامات ایرانی را ثابت نمی‌کند، اما در مورد هم‌زمانی و تشابه محتوای بیانیه‌ها سؤالاتی ایجاد کرد (Alfoneh, 2012: 7-9).

برای بسیاری از بحرینی‌هایی که مخالف سیاست‌های خاندان سلطنتی آل خلیفه هستند، صرف اشاره به علاقه ایران برای مداخله فزاینده در بحرین در جریان قیام در سال ۲۰۱۱ و پس‌از آن یک ادعای انحرافی و توهین به مبارزه آن‌ها برای یکپارچگی اقتصادی و نمایندگی سیاسی عادلانه تلقی می‌شود. از سوی دیگر، برای دولت بحرین و حامیان آن نیز کم‌اهمیت جلوه دادن نیت و طرح‌های

تهران در منامه غیر صادقانه و غیرمسئولانه است. شکاف بین این دو دیدگاه در بین بحرینی‌ها، فشارهایی را بر سیاست‌های واشنگتن در قبال بحرین ایجاد می‌کند. در حال حاضر، اعتماد بسیار کمی بین دولت بحرین و مخالفان آل خلیفه در این کشور وجود دارد. دولت آل خلیفه از کودتای ۱۹۸۱، برای توجیه تعلیق قانون اساسی و مجلس استفاده کرد. بااین‌حال، در اوایل دهه ۱۹۹۰، احساس بحران فوری از بین رفته بود. در این پس‌زمینه بود که در سال ۱۹۹۲، بحرینی‌ها از امیر درخواست کردند که قانون اساسی و مجلس را بازگرداند. امیر این درخواست را رد کرد، اما دو سال بعد، درخواست‌کنندگان با ۲۳۰۰۰ امضا بازگشتند. افزایش تصاعدی امضاکنندگان نشان‌دهنده شمول شیعیان بود، اگرچه رهبری جنبش هم سکولار و هم بین فرقه‌ای باقی ماند (Fuller, and Francke, 2001:127).

بن‌بست سیاسی تنها با مرگ امیر عیسی بن سلمان آل خلیفه در سال ۱۹۹۹ شکسته شد. در ابتدا، جانشین امیر عیسی منشور اقدام ملی را پیشنهاد کرد که خواستار احیای مجلس و نظم قانون اساسی و تضمین آزادی فردی و برتری قانون بر میل حاکم بود. در یک همه‌پرسی در سال ۲۰۰۱، ۹۸٫۴ درصد از مردم بحرین این منشور را تأیید کردند و به دوره هفت‌ساله بی‌ثباتی و درگیری‌های فرقه‌ای پایان داد و بحرین را قادر ساخت که شروعی دوباره داشته باشد. اما اقدامات حمد به‌عنوان امیر جدید بحرین با لفاظی اصلاح‌طلبانه او در دوره ولیعهدی‌اش مطابقت نداشت. درحالی‌که او مجلس را احیا کرد، اما قدرت را قربانی نکرد. او به‌جای اجرای منشور اقدام ملی که پیشنهاد و مذاکره کرده بود، خود را «پادشاه» اعلام کرد و قدرت مطلق را به دست گرفت. در پی قیام بنای یادبود مروارید، پادشاه حمد خواستار تحقیق شد. او محمد شریف بسیونی، محقق حقوقی مصری-آمریکایی را به ریاست کمیسیون مستقل تحقیق بحرین برای تحقیق در مورد رویدادهای فوریه و مارس ۲۰۱۱ منصوب کرد (Bahrain News Agency, 2011:1-3).

گزارش نهایی کمیسیون بسیونی، تردیدها را در مورد استقلال آن برطرف کرد، و دریافت که نیروهای امنیتی بحرین هیچ مدرکی در مورد دست داشتن ایران در این حادثه به دست نیاورده‌اند. (Bassiouni and et al, December 10, 2011) درحالی‌که ملک حمد به‌سرعت وعده اصلاحات برای گسترش قدرت و استقلال مجلس را داد، بسیاری از توصیه‌های کمیسیون هنوز اجرانشده است. این ممکن است تا حدی به دلیل اختلافات جناحی در خانواده سلطنتی باشد. علیرغم مشارکت ظاهری او در هفته‌های پس از قیام بنای یادبود مروارید و نقش او در ایجاد کمیسیون مستقل

تحقیق بحرین، دیپلمات‌های خارجی پادشاه را بیشتر به اوقات فراغت و امتیازات قدرت علاقه‌مند می‌دانند تا کار سخت حکومتی. او تصمیمات زیادی را به عمومیش، نخست‌وزیر تندرو، واگذار می‌کند. ولیعهد سلمان بن حمد خواستار اصلاحات بیشتر شده است، اما قدرت اجرای آن‌ها را ندارد. صرف‌نظر از این، هر دو طرف در مواضع خود عقب‌نشینی کرده‌اند. به نظر می‌رسد دولت بیشتر به شکست دادن مخالفان علاقه‌مند است تا رسیدگی به نارضایتی‌های مشروعی که ممکن است داشته باشند. برای مثال، در ژوئیه ۲۰۱۳، قانون‌گذاران بحرینی «قوانین ضد تروریسم» جدیدی را وضع کردند که به دولت اجازه می‌دهد تا معترضان بحرینی را سلب تابعیت کند (Elwazer, 2013:1). نیروهای گروه مخالف نیز احتمالاً به آینده ایمان ندارند. بسیاری به این نکته اشاره می‌کنند که زمانی که حمد ولیعهد بود به اظهارات حمد اعتماد کرده بودند، اما شاهد شکست مکرر او در اجرای اصلاحات بودند. بنابراین، آن‌ها حاضر نیستند وعده‌های ولیعهد سلمان را در نظر بگیرند و اختلافات جناحی را که دیپلمات‌های آمریکایی بر آن تأکید دارند، به‌عنوان نمونه‌ای مفصل از پلیس خوب، پلیس بد، طراحی شده برای فریب خارجی‌های زودباور می‌دانند. باین‌حال، علیرغم یافته‌های کمیسیون بسیونی، مقامات بحرینی همچنان ایران را عامل خشونت اخیر می‌دانند. شاید نفوذ رسانه‌های ایران در میان شیعیان بحرین موجب این برداشت شده است. رانندگان تاکسی، بازرگانان، دانشجویان و فعالان سیاسی همگی می‌گویند که اخبار خود را از سرویس عربی زبان العالم ایران یا در صورت مسدود شدن آن از صدای ایران دریافت می‌کنند. پرس تی وی و سحر ایران نیز محبوب هستند. باین‌حال، اینکه چنین رسانه‌هایی مخاطبان زیادی در بحرین دارند، لزوماً با حمایت همبستگی ندارد. در اوایل دهه ۱۹۸۰، مقامات ایرانی حوزه علمیه الاثار را در قم تأسیس کردند تا بر تربیت طلاب بحرینی تمرکز کند. تا آن زمان، بیشتر علمای بحرین در نجف درس خوانده بودند. برای مثال قاسم مظهر چندین سال را در دهه ۱۹۶۰ در نجف گذراند؛ اما سپس در سال ۱۹۹۱ برای تکمیل تحصیلات خود به قم رفت و آیت‌الله شد (Alfoneh, 2012:5-7).

به دلیل سرکوب شیعیان عراق توسط صدام رئیس‌جمهور سابق عراق و کنترل شدید رژیم وی بر نجف و کربلا، نسل‌هایی از دانشجویان مذهبی بحرینی، از دهه ۱۹۷۰ تا سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، چاره‌ای جز تحصیل در قم نداشتند. فقط به این دلیل که مقامات ایرانی به دنبال آموزش دیدگاه امام خمینی در قم بودند به این معنی نیست که همه دانشجویان بحرینی حرف ایشان را پذیرفتند. باین‌وجود، در طول سال‌ها اقامت و تحصیل، بسیاری تحت نفوذ ایران قرار گرفتند. ناتوانی

یا عدم تمایل دولت بحرین برای رسیدگی جدی به مشکلات پیش روی جامعه شیعه خود، زمینه مساعدی را نه تنها برای اعتراض مشروع، بلکه برای کسانی که به دنبال حذف سلطنت بحرین هستند، ایجاد می‌کند. ملک حمد و نخست‌وزیر آل خلیفه با این باور که عربستان هرگز اجازه پیروزی مخالفان را نخواهد داد، اصلاحات زیربنایی را رد می‌کنند. در همین حال، آن‌ها با ارائه تابعیت به سنی‌های پاکستانی، یمنی، اردنی و عراقی درازای سرمایه‌گذاری یا خدمات قابل توجه در نیروهای امنیتی فرقه‌ای بحرین، به دنبال تغییر ترکیب جمعیتی بحرین هستند. چنین استراتژی نه تنها به هویت بحرین آسیب وارد می‌کند، بلکه بحرین را با ناآرامی‌های دائمی مواجه می‌کند؛ زیرا خلع ید بیش از دوسوم جمعیت آن فرمولی برای موفقیت اقتصادی یا ثبات سیاسی نیست. ممکن است دیگر خشونت شبانه رخ ندهد، اما نه دولت بحرین و نه متحدان غربی آن نباید سکوت را با آرامش اشتباه بگیرند. تا زمانی که شیعیان بحرین فرصت و برابری را تحت قانون نبینند، بحرین به‌عنوان یک جعبه باروت باقی خواهد ماند.

عمده‌ترین فرصت‌ها و مزایای احیای روابط ایران و بحرین

الف. سطح داخلی

بحرین در سال ۲۰۱۶ درست یک روز پس از آنکه عربستان روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد، در پشتیبانی از ریاض روابطش را با ایران قطع کرد. اخیراً کشورهای ایران و بحرین در ۲۳ ژوئن ۲۰۲۴ توافق کردند اقداماتی را باهدف احیای روابط دیپلماتیک دوجانبه انجام دهند (Middle East Policy Council, 2024: 1). این ابتکار دیپلماتیک به دنبال بیانیه ۲۳ ماه مه ۲۰۲۴ «حمد بن عیسی آل خلیفه»، پادشاه بحرین در مسکو پس از دیدار وی با «ولادیمیر پوتین» بود که تأکید کرده بود دلیلی برای به تعویق انداختن عادی‌سازی روابط با ایران نمی‌بیند (FDD, 2024: 1). در ماه آوریل ۲۰۲۴، ملک حمد بیش از ۱۵۰۰ زندانی را عفو کرد که اکثریت آن‌ها به جرائم مرتبط با ناآرامی‌های بهار عربی محکوم شده بودند که این امر نشان می‌دهد بحرین به اندازه کافی در داخل کشور برای عبور از این موضوع اطمینان دارد. در مارس ۲۰۲۳، چند روز پس از بازگشت روابط ریاض و تهران، احمد بن سلمان المسلم، رئیس مجلس نمایندگان بحرین نیز در حاشیه یک‌صد و چهل و ششمین اجلاس مجمع نمایندگان بحرین با هیئت پارلمانی جمهوری اسلامی دیدار کرد. مجلس نمایندگان. اتحادیه بین‌المجالس در منامه از آغاز مذاکرات تهران و منامه برای ازسرگیری پروازهای هواپیماهای مسافری بین دو کشور خبر داده بود. مهم‌ترین راهبرد سیاست خارجی دولت

سیزدهم نیز توسعه روابط با کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی و هم‌پیمان بود. این سیاست به‌مرور زمان مورد قبول کشورهای دیگر قرار گرفت، زیرا تنها در سطح کلامی باقی نماند؛ بلکه جنبه عملیاتی پیدا کرد. این موضوع به ۲۸ سفر به ۲۳ کشور در طول ۳۴ ماه ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی اشاره دارد که سفرهای هدفمندی برای اجرای سیاست توسعه روابط بوده است (Emadi, 2024: 1).

پادشاه بحرین در دیدار بالی کبانگ نخست‌وزیر چین نیز در حاشیه سفر خود به پکن بیان کرده است، از حمایت چین برای احیای روابط دیپلماتیک با ایران به‌منظور برقراری صلح و بازگشت ثبات در منطقه استقبال می‌کند. پادشاه بحرین بیان می‌کند، کشورش به‌عنوان مدافع صلح، مدارا و همزیستی انسانی به‌ضرورت اتخاذ رویکرد گفتگو و دیپلماسی مبتنی بر حسن هم‌جواری و عدم مداخله در امور داخلی معتقد است. شاه با لحنی که نشان از دوستی و اشتیاق فراوان به حل بحران داشت، گفته بود، مردم بحرین عاشق ایران هستند، از آن دیدن می‌کنند و با آن تاریخ مشترک دارند. از سرگیری روابط دیپلماتیک میان دو کشور موضوع مثبتی است؛ زیرا دیپلماسی همواره به‌عنوان پل ارتباطی بین کشورها عمل می‌کند. برخی بر این باورند که بحرین به خاطر اشتراکات تاریخی، مذهبی و زبانی خواستار احیای روابط با ایران است؛ اما واقعیت این است که این گذشته تاریخی که در رابطه با آن صحبت می‌شود برای ایران مزیت است؛ اما برای حکومت آل خلیفه هیچ‌وقت عاملی برای نزدیکی دو کشور نبوده؛ چون‌که بحرین کشوری است که از ایران جدا شده و آل خلیفه هم از نظر مذهبی در بحرین در اقلیت هستند. بنابراین قرابت مذهبی ایران با اکثریت مردم بحرین یکی از نگرانی‌های همیشگی دولت بحرین بوده است؛ زیرا زمینه توسعه نفوذ فرهنگی، مذهبی و سیاسی ایران در بحرین فراهم کرده است (Wright, 2016: 61-62). نگاه حکومت بحرین این است که اگر بتواند روابط نزدیکی با تهران داشته باشد احتمالاً زمینه‌های تعارضی کمتری پیدا خواهد کرد و امکان اینکه مجدداً جنبش‌های اعتراضی در این کشور فعالیت کنند، کاهش پیدا خواهد کرد. گفت‌وگوهای آتی بین بحرین و ایران احتمالاً بر طیفی از موضوعات از جمله نمایندگی دیپلماتیک، نگرانی‌های امنیتی و همکاری اقتصادی متمرکز خواهد بود. هر دو کشور از یک گفتگوی موفق سود زیادی دارند. برای ایران، برقراری مجدد روابط با بحرین موقعیت این کشور را در خلیج فارس تقویت می‌کند و به‌طور بالقوه نفوذ قدرت‌های رقیب را کاهش می‌دهد. برای بحرین، بهبود روابط با ایران می‌تواند به منافع امنیتی و اقتصادی بیشتر و همچنین کاهش تنش‌های فرقه‌ای داخلی منجر شود.

ب. سطح منطقه‌ای

زمانی که روابط بین ایران و عربستان احیا شد، بحرینی‌ها با خود گفتند حالا که برادر بزرگ‌تر (عربستان) با ایران به صلح رسیده است، چه دلیلی وجود دارد که آن‌ها به دنبال احیای روابط با ایران نباشند؟ از طرف دیگر بیشتر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از جمله قطر، امارات و کویت نیز روابط خوبی با ایران دارند، در این میان تنها بحرین است که کنار مانده است اما این که چه عاملی سبب شده که پادشاه بحرین بگوید ما دیگر با ایران مشکلی نداریم را می‌توان در دو مسئله مهم بیان کرد، احیا روابط ایران با عربستان و حمله ایران به اسرائیل (Reuters, 2024:1). توافق ایران و عربستان منجر به کاهش تنش‌ها در منطقه می‌شود که به‌طور بالقوه می‌تواند محیط باثبات‌تری را برای بحرین ایجاد کند. علاوه بر این، می‌تواند منجر به لغای کمیتر ایران در حمایت از شیعیان بحرین شود. هم‌زمان با حمله ایران به اسرائیل، شبه‌نظامیان سرایا الاشر مستقر در بحرین مسئولیت حمله پهبادی ۲۷ آوریل ۲۰۲۴ به شهر ایلات در جنوب اسرائیل را بر عهده گرفتند. بر اساس بیانیه سازمان، هدف این حمله حمایت از مردم غزه بود. در سال ۲۰۲۰، این گروه اعلام کرد که یک واحد فرعی به‌طور خاص برای هدف قرار دادن منافع اسرائیل در بحرین ایجاد کرده است (FDD, 2024:1-2). موضوع دوم این است که همچون توافق تهران و ریاض برای ازسرگیری روابط، ظاهراً بحرین نیز خواهان ایفای نقش قدرت‌های فرا منطقه‌ای در پیشبرد این سیاست بوده است. رویکرد تهران در قبال بحرین بسیار با منافع کلی آن در کاهش تنش با ریاض مرتبط است. تیره شدن مناسبات ایران و کشورهای عربی زبان‌های جبران‌ناپذیری به این مناسبات وارد کرد؛ اما همین‌که در شرایط فعلی عقلانیتی شکل گرفته، گامی برای احیای مناسبات است. الهیو لوت، کارشناس ارشد سیاست در برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در شورای روابط خارجی اروپا در این باره گفته است، کشورهای خلیج فارس سیاست خارجی خود را عمدتاً در مسیر جدیدی قرار داده‌اند که اقتصاد را در اولویت قرار داده و این هدف اصلی توافق عربستان و ایران در سال ۲۰۲۳ با کمک عراق و چین بود. امارات نیز قبلاً نشان داده بود که اولویتش اقتصاد و تجارت با ایران است و اکنون بحرین نیز به‌واسطه رویکرد عمل‌گرایانه خود به این باور رسیده که باید تجارت را با همسایه قدرتمند شمالی‌اش دنبال کند (International Monetary Fund. Middle East and Central Asia Dept, 2023:1-2).

پ. سطح جهانی

از دوره اواما کاهش حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا رخ داده است (Andersen, 2012).

(9-6) باروی کار آمدن جو بایدن در آمریکا از یک سو روابط این کشور با عربستان متشنج شد و از سوی دیگر واشنگتن بیشتر به شرق آسیا پرداخت. نظام بحرین در سال‌های گذشته شیعیان را به شدت سرکوب کرد که احیای روابط منامه و تهران باعث پایان این سرکوب می‌شود. نگرانی آمریکا آن است که واشنگتن همواره کوشید ایران را دشمن کشورهای عرب حوزه خلیج فارس معرفی نماید تا بتواند با کمک تل‌آویو، کشورهای منطقه را در سطوح نظامی و سیاسی علیه تهران متحد کند؛ اما با احیای روابط ایران و بحرین این توطئه خنثی خواهد شد (Marubeni Washington Report, 2024: 1-2). در همین راستا کشورها تلاش می‌کنند تنش‌های سیاسی را کاهش دهند تا در دنیای کریدورها خودشان را به عنوان یک کشور آرام معرفی کنند تا بتوانند سرمایه خارجی را جذب کنند و سهمی در تجارت بین‌الملل داشته باشند. بحرین هم در این قالب جای می‌گیرد و در همین راستا تلاش دارد، روابطش را با همسایگانش بهبود بخشد. باروی کار آمدن جو بایدن، روندی در منطقه آغاز شد که به دنبال بازگشت به نظم قبل از بهاری عربی در منطقه بود. طی این روند کشورهای منطقه به سمت تنش‌زدایی حرکت کردند. کشورهای عربی دیگر مانند گذشته به دنبال اتکای صرف بر آمریکا نیستند و با تمامی قدرت‌های جهانی از جمله چین و روسیه سطح همکاری خود را گسترش داده‌اند (Xinhua, 2021: 1). کشورهای جهان می‌دانند که تنش‌توانایی‌های آن‌ها را از بین می‌برد و هزینه‌هایی را به آن‌ها تحمیل می‌کند. بنابراین تمامی کشورها به دنبال افزایش مناسبات خودشان هستند. درواقع بحرین نیز به این جمع‌بندی رسیده است که این مطلوب‌ترین شکلی است که می‌تواند هم ثبات و امنیت خود را حفظ کند و هم در مسیر توسعه گام بردارد. در جدول زیر مهم‌ترین متغیرها و شاخص‌هایی که بیانگر احتمال حیات روابط ایران و بحرین است نشان داده شده است:

ردیف	متغیرهای بیانگر احتمال احیای روابط ایران و بحرین	شاخص‌های بیانگر احتمال احیای روابط ایران و بحرین
۱	تحت فشار قرار گرفتن بحرین برای احیای رابطه با ایران	احیای رابطه عربستان با ایران؛ ضرورت ایجاد کانال ارتباطی مستقیم با ایران؛ افزایش توان هسته‌ای ایران؛ سیاست همسایگی و جدیت دولت سیزدهم برای بهبود رابطه با همسایگان؛ منابع و فرصت‌های مناسب تجاری و سرمایه‌گذاری ایران در بحرین؛ ضرورت کاهش تنش بین دو

	کشور؛ خواست مردم بحرین برای احیای رابطه با ایران و تلاش دولت این کشور برای رضایتمندی مردم خود؛ مؤلفه‌های امنیتی و ملاحظات مبتنی بر ثبات بین دو کشور؛ ارتقاء روابط سایر کشورهای حوزه خلیج فارس با ایران از جمله امارات و عربستان؛ درک زیان‌های تنش با ایران از سوی بحرین.	
۲	اولویت همه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس اقتصادی است تا به توسعه دست یابند. لازمه توسعه نیز ثبات و آرامش در منطقه است؛ از سرگیری روابط دو کشور درهای همکاری و سرمایه‌گذاری را خواهد گشود؛ بازرگانان ایران بار دیگر با تزریق سرمایه خود به بانک‌های بحرین اقتصاد این کشور را فعال خواهند کرد؛ به سود بحرین نیست که با ایران تنش داشته باشد؛ زیرا فضای مسالمت‌آمیز و از سرگیری روابط نگرانی‌های دو طرف را از بین خواهد برد و زمینه را برای توسعه روابط تجاری و جذب سرمایه‌گذاری فراهم خواهد کرد.	اولویت اقتصادی کشورهای منطقه
۳	ایران به لطف داشتن روابط با بسیاری از کشورها و جریان‌های تأثیرگذار در منطقه از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بحرین هم بخشی از محور سعودی - اماراتی در شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود؛ از سرگیری روابط دیپلماتیک میان تهران و منامه تکمیل‌کننده روابط ایران با عربستان و امارات است و تلاش برای انزوای ایران را به شکست می‌کشاند؛ ایران از این طریق می‌تواند روابط خود را با دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس در چارچوب راهبرد بهبود مناسبات با کشورهای همسایه تقویت کند و تحریم‌های غرب را خنثی سازد؛ منامه باید سیاست‌های خود را به نحوی تنظیم کند که از قلمروی این کشور علیه تهران یا هم‌پیمان‌های منطقه‌ای ایران هیچ‌گونه اقدامی از سوی دشمنان ایران صورت نگیرد؛ زیرا ایران قدرت بزرگ در منطقه است و نمی‌توان امنیت آن را نادیده گرفت؛ از سرگیری روابط میان ایران و بحرین گام مهمی در جهت تحکیم ثبات در منطقه خلیج فارس است؛ زیرا تنش میان دو کشور نقش بسزایی در برهم زدن اوضاع امنیتی داشته است؛ پیش‌ازاین، همواره این موضوع مطرح بوده که چنانچه جمهوری اسلامی ایران با	بهبود جایگاه ایران در منطقه

		تهدید به حمله مواجه شود، قطعاً پای کشورهای شریک امریکا مانند بحرین نیز به میان کشیده خواهد شد؛ متأثر از این ادراک، کشورهای منطقه خواهان این هستند تا خود را از احتمال چنین خطری دور نگه دارند.
۴	جنگ غزه و نگرانی در مورد افزایش تنش در منطقه	با شروع جنگ در غزه، به نظر می‌رسد پیمان ابراهیم با چالشی جدی مواجه شد؛ در رویارویی اخیر ایران با اسرائیل نیز این پیمان به شدت با چالش مواجه شد؛ ایران که همواره نشان داده است هرگونه ائتلاف و پیمان امنیتی را که موجودیت و تمامیت ارضی‌اش را تهدید کند، برنمی‌تابد، با پاسخ موشکی و پهپادی خود نه تنها به اسرائیل، بلکه به کشورهای منطقه نیز این پیام را مخابره کرد امنیت منطقه بدون امنیت تهران غیرقابل تصور است؛ آنچه اتفاق افتاد این بود که اعراب منطقه، به ویژه آن‌هایی که در قالب پیمان ابراهیم با اسرائیل رابطه برقرار کرده‌اند، به خوبی درک کردند که یا ائتلاف قوی‌تری در منطقه نیاز دارند یا اینکه باید با ایران به تعامل بیشتر برسند. آنچه امریکا از پاسخ موشکی ایران به اسرائیل درک کرد این بود که هماهنگی راهبردی بین امریکا و اسرائیل بسیار فراتر از آن چیزی است که اکثرانشان داده می‌شود؛ اما به نظر نمی‌رسد که این هماهنگی قابل تعمیم به دیگر کشورهای منطقه باشد؛ کشورهای حوزه خلیج فارس، اگرچه به دنبال چتر دفاعی امریکا هستند، اما نسبت به آن بی‌اعتماد نیز شده‌اند؛ برای مثال در جنگ یمن، هر سه کشور امارات، بحرین و عربستان در مقابل حملات انصار الله آسیب‌پذیری را نشان دادند و حمایتی را که امریکا متعهد به انجامش بود، ندیدند؛ کشورهای منطقه راه چاره را در نزدیکی به ایران با رفع نگرانی‌های امنیتی مقامات تهران نسبت به هرگونه ائتلاف با اسرائیل در تهدید منافع این کشور یافته‌اند؛ کشورهای منطقه به این درک رسیده‌اند که روند صلح در خاورمیانه به شدت به ایران گره خورده است و هرگونه سازش احتمالی میان اسرائیل و فلسطینیان در مذاکرات آتی آن‌ها باید از تصویب نهایی تهران بگذرد.
۵	کاهش تضمین	کشورهای غربی و ژاپن یک نظم معینی را بعد از شوروی در

عرصه‌های مختلف برای جهان طراحی کرده بودند. طبیعتاً این نظم به‌مرور و طی حدود ۱۰ سال گذشته به چالش کشیده شده است؛ به چالش کشیده شدن این نظم تک‌قطبی نه تنها برای بازیگران غیردولتی، بلکه حتی برخی دولت‌ها چندان مرئی نبود؛ یکسری دولت‌های خاکستری در جهان وجود دارند که این‌ها در نظم دو سوی آتلانتیک قرار داشتند و یا با بده و بستان‌هایی جایگاه خود را در نظم غربی پیدا کرده بودند و امنیت خود را با قدرت‌های غربی به‌طور شاخص امریکا حفظ می‌کردند؛ در دوره کنونی این دولت‌های خاکستری بازی‌های جدیدی را انجام می‌دهند. مثلاً دولت‌هایی مانند ترکیه به دنبال باج‌خواهی و گرفتن امتیاز هستند. یا دولت‌هایی مانند عربستان به‌وضوح روابط خود را با امریکا کاهش داده‌اند و بازی مستقل‌تری را آغاز کرده‌اند؛ امریکا مانند گذشته تضمینی برای امنیت کشورهای منطقه ایجاد نمی‌کند و در حرکت آن‌ها به‌سوی ایران، چین و روسیه نقش داشته است.	امنیتی امریکا به کشورهای منطقه	
اولین ضربه به تسلط آمریکا بر منطقه را چینی‌ها با ایجاد همگرایی میان ایران و عربستان وارد کردند. موضوعی که باعث نگرانی شدید آمریکا از غروب خورشید تسلطش بر منطقه شده است، چراکه احیای روابط ایران و سعودی و پس‌از آن، ایران و بحرین باعث تقویت حضور چین و روسیه در منطقه می‌شود؛ احیای روابط ایران و بحرین باعث تقویت مشروعیت ایران در جهان می‌شود، به‌ویژه پس‌از آنکه ایران و عربستان به عضویت بریکس درآمدند همان سازمانی که نمایانگر جنوب جدید جهانی به‌جای شمال جهانی قدیمی به رهبری آمریکا است؛ تمایل بحرین به احیای روابط با ایران که در درخواست مکرر پادشاه بحرین از روسیه و چین برای میانجیگری مؤید استقبال بحرین و گشایش آن به روی چشم‌انداز جدیدی از استراتژی است که می‌توان آن را «سیاست ایجاد تعادل» در روابط با ایران و آمریکا نامید و این امن‌ترین استراتژی برای کشور کوچکی مانند بحرین است که منابع اقتصادی محدود و نیز قدرت اندکی در سطح امنیتی و نظامی دارد؛ تغییر در آرایش قدرت که بین کشورها تأثیرش را در خاورمیانه	افزایش نقش چین و روسیه در منطقه	۶

هم گذاشته است؛ جهان شاهد ظهور قدرت جدیدی مثل چین در منطقه و ورودش به معادلات اقتصادی و سیاسی است؛ طبیعتاً بازیگران منطقه‌ای هم به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید از اتکای صرف به امریکا خارج شوند تا از یک‌سو بتوانند به‌طور مستقل مسائل خودشان را حل کنند و از سوی دیگر نوعی توازن در رابطه با قدرت‌های بزرگ ایجاد کنند. نمونه بارز این مسئله را ما در مورد حل و فصل اختلافات ایران و عربستان شاهد بودیم.		
--	--	--

منبع: نگارندگان

مهم‌ترین چالش‌های احیای روابط ایران و بحرین

الف. سطح داخلی

گزارش‌های اخیر حاکی از آن است اخیراً منامه و تهران پیام‌های مثبتی را ردوبدل کرده‌اند. بااین حال، نقاط اختلافی چندی باقی مانده و تهران برای ازسرگیری روابط مردد است. این امر دست‌کم تا زمانی ادامه دارد که وضعیت اپوزیسیون در این کشور بهبود یابد (Saab, 2024: 5-7). بنابراین اگر به وضعیت جامعه بحرین رسیدگی نشود، تلاش‌های آشتی همواره با مشکلاتی روبه‌رو خواهد بود. بحرین و ایران، روابط طولانی مدتی دارند که عمده‌تاً حول محور تجارت دوجانبه متمرکز شده است، اگرچه گردشگری و همکاری‌های منطقه‌ای نیز در این رابطه نقش دارند. از زمانی که غرب، به‌ویژه امریکا شروع به محکوم کردن ایران به دلیل برنامه هسته‌ای کردند، روابط بحرین با ایران به‌طور فزاینده‌ای تیره شده است و در بحرین با نگرانی زیادی به آن نگاه می‌شود. شیخ سلمان، ولیعهد بحرین، گفته است: «درحالی‌که [ایرانی‌ها] هنوز بمب را در اختیار ندارند، اما درحال توسعه آن هستند». باید دید که وضعیت در آینده چگونه پیش خواهد رفت (Breitbart, 2008: 1) در جبهه اقتصادی، بحرین روابط تجاری رو به رشد اما محدودی با ایران دارد. علیرغم وسعت و نزدیکی ایران، این کشور یکی از ۲۰ شریک تجاری برتر بحرین نیست (The Guardian, July, 11, 2011). بحرین علاقه زیادی به واردات گاز ایران (۱ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی در روز برای ۲۵ سال آینده) نشان داد، اما این مذاکرات به دلیل اصطکاک‌های ناشی از اعتراض به ادعای یک مقام ایرانی مبنی بر حاکمیت ایران بر بحرین نهایی نشده است. به‌هرحال روابط تجاری بحرین و ایران عمده‌تاً شامل صادرات نفت، فرآورده‌های معدنی، خدمات حرفه‌ای و

مالی بحرین است. واردات از ایران بسیار کم است و آن‌هم بیشتر محصولات غذایی است (Menafn News, July, 23, 2011). سؤالی که برای کارشناسان مطرح شده این است که نفوذ ایران تا چه اندازه تهدیدی برای امنیت ملی بحرین و منافع آمریکا در بحرین است؟ در واشنگتن، بسیاری بر این باورند که این تهدید توسط مقامات بحرینی به اشتباه تشخیص داده شده و یا افزایش یافته است تا اجرای دیر هنگام و جزئی اصلاحات لازم را توجیه کنند. سایرین، به ویژه از جوامع اطلاعاتی و دفاعی آمریکا، از جمله فرماندهان فعلی و سابق ناوگان پنجم آمریکا مستقر در بحرین، به جدیت تهدید نفوذ ایران و احتیاط در برابر خوانش های آرام اذعان می کنند. به نظر می رسد، منامه همیشه می تواند طرفندهای جدیدی در مبارزه با مخالفان داخلی بیاموزد؛ اما اصلاحات جامع، قوی ترین ابزار رهبری بحرین برای امنیت و ثبات بلندمدت است.

ب. سطح منطقه‌ای

عربستان، اسرائیل و آمریکا از یک سو خواهان حفظ تعادل سستی با کنترل کامل بر جریان های سیاسی-امنیتی منطقه هستند. از سوی دیگر، ایران لزوماً نمی خواهد اوضاع را برهم بزند. اما با افزایش پایگاه قدرت و نقش خود در پرتو تحولات منطقه ای می خواهد با رویکرد منطقه ای نقش پررنگ تری ایفا کند و از منافع ملی خود حفاظت کند. عربستان، بحرین را مکمل راهبردی می داند و برای سرکوب اعتراضات به مداخله نظامی متوسل شده است. ایران و عربستان به عنوان دو قدرت، هر کدام با استراتژی های مختلف و گاه خصمانه به دنبال بیرون راندن بازیگر دیگر در بحرین هستند. ایران با تقویت حس انقلابی و حمایت از نقش شیعیان در تحولات منطقه، مخالفت با مداخله و حضور قدرت مداخله گر منطقه ای در بحرین، برگزاری مانورهای نظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایفای نقش خود در منطقه و رسیدن شیعیان بحرین به وضعیت مطلوب تر و مشارکت شیعیان در دولت بحرین پیگیری می کند. از سوی دیگر عربستان به دنبال مزوی کردن بیشتر و خطرناک جلوه دادن ایران است. اهداف خود را با اقدامات زیر دنبال می کند: حمایت از حاکم بحرین و متحد با آمریکا برای مشارکت در منطقه و بحرین؛ جناح بندی و مقابله با نفوذ انقلابی ایران با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس؛ خرید تسلیحات نظامی پیشرفته برای رقابت با ایران و مداخله نظامی برای مقابله با اعتراضات شیعیان بحرین و حتی شیعیان سعودی. بنابراین، اتخاذ ابتکار احیای روابط ایران و بحرین، در این مقطع روشن می کند که بحرین می خواهد مسیر مانور دیپلماتیک دو متحد مهم خود یعنی عربستان و امارات را با وجود چالش ها دنبال کند و منافع ملموس آن را بسنجد (Kapanadze).

(25-28: 2021) احیای روابط الزاماً به معنای نزدیکی این کشورها به ایران و همچنین همکاری گسترده با ایران نیست؛ بلکه به معنای پایان قطع رابطه دو طرف به منظور کاهش تنش منطقه‌ای است. واقعیت این است که کشورهای عربی برای رفع نگرانی‌های امنیتی که دارند به دنبال تنش‌زدایی و احیای روابط با ایران هستند. برای مثال هدف عربستان از تنش‌زدایی با ایران، رفع تهدید حوثی‌های یمن بود. هدف بحرین هم از تنش‌زدایی با ایران این است که مانع از نفوذ ایران در این کشور شود. مسئله دیگر عادی‌سازی رابطه بحرین با اسرائیل است که ایران آن را خیانت به آرمان فلسطین تلقی کرده است (Cafiero, 2023:1-2). مجاورت جغرافیای مذهبی شیعیان بحرین و عربستان و در نتیجه تأثیر اجتناب‌ناپذیر تحولات بحرین بر ثبات سیاسی عربستان، روابط سیاسی و امنیتی دولت آل خلیفه با آل سعود و تلاش‌های عربستان برای ایجاد توازن نظامی علیه ایران از جمله دلایل اصلی مداخله نظامی عربستان در ایجاد توازن علیه ایران است. نزدیکی بحرین به چاه‌های نفت عربستان و همچنین وابستگی اقتصادی، نظامی و امنیتی وی به عربستان، هرگونه ناآرامی و تغییر در بحرین را در تضاد با منافع استراتژیک عربستان قرار داده است. در نتیجه، عربستان شدیداً با هرگونه تغییر انقلابی در بحرین که شیعیان را به قدرت رساند و نفوذ ایران را در نزدیکی مرزهایش افزایش دهد، مخالف است.

پ. سطح جهانی

امریکا نفوذ خود بر جهان را از امپراتوری روبه‌زوال بریتانیا به ارث برد. در نتیجه از نظر نظامی، امنیتی و اطلاعاتی در چندین منطقه جغرافیایی از جمله بحرین استقرار یافت (Cafiero, 2024:2-3). زمانی که موضوع عادی‌سازی روابط با اسرائیل در چارچوب طرح موسوم به معامله قرن در ژوئن ۲۰۱۹ و در منامه تحت عنوان «کارگاه اقتصادی بحرین» به ابتکار «جرد کوشنر» داماد «دونالد ترامپ» مطرح شد، این احساس را در میان کشورهای حوزه خلیج فارس تقویت کرد که قطار عادی‌سازی با اسرائیل یک واقعیت است و ماهیت مسئله فلسطین به دست فراموشی سپرده شده است. «جو بایدن» رئیس‌جمهور سابق آمریکا به‌رغم همه ایراداتی که این طرح داشت به دنبال تکمیل آن چیزی بود که رقبایش ساخته بود. بایدن به گشایش سفارت اسرائیل در منامه در سپتامبر ۲۰۲۳ کمک کرد و پیش از آن‌هم در معاملات تجاری و امنیتی نقش داشت. آمریکا ائتلاف عربی-اسرائیلی ایجاد کرد که تحت عنوان (نشست نقب) آغاز شد؛ نشستی که در ۲۸ مارس ۲۰۲۲ در نقب اشغالی برگزار و مقرر شد به یک مجمع دائمی و سپس به یک ائتلاف منسجم تبدیل شود. در این نشست آمریکا، اسرائیل، بحرین،

امارات و مراکش حضور داشتند (Shawamreh, 2023: 1-2). همه این اقدامات تأثیر خود را بر لزوم عادی سازی میان اسرائیل و عربستان گذاشت که در صورت تحقق نشان دهنده یک دستاورد تاریخی برای اسرائیل است؛ زیرا اعتبار و موقعیت عربستان در جهان عرب به ویژه جهان اسلام به طور کلی مهم و قابل توجه است. بنابراین چنین نوعی از عادی سازی، کشورهای دیگر را نیز به دنباله روی از عربستان می کشاند (Roebuck, 2024: 1-2) روابط آمریکا و بحرین در چهار دهه گذشته عمیق تر شده است؛ زیرا منطقه خلیج فارس با تهدیدات فزاینده مواجه شده است. دولت بایدن بحرین را یکی از طولانی ترین و نزدیک ترین شرکای آمریکا در خاورمیانه می داند. در سپتامبر ۲۰۲۳، بحرین و آمریکا با امضای یک توافقنامه استراتژیک امنیتی و اقتصادی، روابط خود را عمیق تر کردند. از سال ۲۰۲۳، بیش از ۸۰۰۰ نفر از کارکنان نظامی و غیرنظامی آمریکا به آژانس امنیت ملی بحرین منصوب شده بودند. (Congressional Research Service, 2024: 2)

بنابراین موقعیت جغرافیایی و ارزش استراتژیک بحرین منجر به استقرار ناوگان پنجم آمریکا شد. اما تغییر رژیم در بحرین به معنای از دست دادن کنترل آمریکا بر خلیج فارس خواهد بود، زیرا شیعیان بدون شک قدرت خواهند گرفت. از این رو، آمریکا نگران است، ظهور شیعیان در بحرین به پایان حضور نظامی این کشور در بحرین؛ تقویت موقعیت ایران در منطقه؛ ارتباط بین شیعیان عربستان و شیعیان بحرین منجر شود و در درازمدت، این ها وضعیت ائتلاف سیاسی-امنیتی منطقه را تغییر دهند.

در جدول زیر برخی چالش های مهم تر احیای روابط ایران و مصر نشان داده شده است:

ردیف	متغیرهای مهم مانع احیای روابط ایران و بحرین	شاخص های مهم مانع احیای روابط دیپلماتیک ایران و بحرین
۱	تردید تهران در مورد احیای روابط	تردید تهران دست کم تا زمانی ادامه دارد که وضعیت گروه مخالف شیعه در این کشور بهبود یابد؛ اگر به وضعیت جامعه رسیدگی نشود، تلاش های آشتی همواره با مشکلاتی روبه رو خواهد بود؛ به رغم عفو تعداد زیادی از زندانیان از سوی مقامات بحرین، این حرکت از نظر ایران کافی نیست؛ بر اساس گزارش الوفاق، بیش از ۵۰۰ زندانی سیاسی در زندان های بحرین به سر می برند؛ برای ایران بسیار مهم است که اپوزیسیون بحرین از طریق نمایندگی مناسب در مجلس و دولت این کشور وارد

		عرصه سیاسی شوند؛ بدون اتخاذ گام‌های مؤثر در این زمینه به نظر می‌رسد رسیدن به توافق برای عادی‌سازی روابط تهران با منامه کمی دور از دسترس باشد.
۲	نگرانی بحرین در مورد صدور انقلاب ایران	بحرین به خاطر سیاست‌های ایران به این کشور بی‌اعتماد است؛ حکومت بحرین تصور می‌کند شیعیان این کشور ستون پنجم ایران هستند؛ سیاست‌های ایران را تنش‌زا تلقی می‌کند؛ ایران را حامی گروه‌های مخالف حکومت بحرین می‌داند و ایران را تهدید وجودی برای امنیت ملی خود تلقی می‌کند. عدم اعتماد بحرین به احتمال زیاد منجر به محدود شدن هرگونه بهبود در روابط خواهد شد. در نتیجه، ما نباید در آینده نزدیک هیچ‌گونه افزایش قابل توجهی در روابط بین دو کشور فراتر از ادب دیپلماتیک پیش‌بینی کنیم.
۳	روابط عادی بحرین با اسرائیل در چارچوب توافق ابراهیم	روابط عادی بحرین با اسرائیل، همچنان مورد ظن و نگرانی تهران قرار خواهد گرفت؛ ایران به دلیل آنچه بدعت دیپلماتیک می‌داند، نسبت به بحرین موضع سخت‌تری در پیش گرفته است؛ عصر طلایی در روابط گذشته ایران و بحرین وجود ندارد که دو کشور بتوانند به راحتی به آن بازگردند؛ از منظر تهران، بحرین متهم است که بازیگران خارجی متخاصم (یعنی آمریکا و اسرائیل) را وارد خلیج فارس کرده که مستقیماً ایران را تهدید می‌کنند.
۴	رقابت ایران و عربستان برای نفوذ بر بحرین	رقابت بین دو کشور بر سر بحرین مدت‌هاست که ادامه دارد؛ هم ایران و هم عربستان سعی دارند از اهرمی که دارند برای گسترش نفوذ خود نه تنها در این کشور، بلکه در منطقه استفاده کنند؛ عربستان از خاندان حاکم به عنوان ستونی در بحرین و وسیله‌ای برای تأمین منافع خود استفاده می‌کند؛ ایران نیز برای تقویت موقعیت خود در بحرین به شیعیان متکی است. یکی از نگرانی‌های عربستان افزایش احتمال تشکیل خودبه‌خود هسته‌های مقاومت به الگوی حزب الله لبنان در بحرین و یمن و در نتیجه افزایش حوزه نفوذ ایران در حیاط خلوت خود است که

تا حدی انگیزه عربستان را برای اعزام نیرو به بحرین برای سرکوب شیعیان فراهم خواهد کرد.		
رابطه غیرعادی آمریکا با تهران بر کشورهایی چون بحرین به نحوی تأثیرگذار بوده است؛ بحرین و ایران نمایانگر انواع مختلفی از حکومت‌ها هستند؛ بحرین قدرتی کوچک و حافظ وضع موجود و ایران قصد تضعیف نظم آمریکایی و معماری امنیتی آن را دارد؛ بحرین با میزبانی از ناوگان پنجم آمریکا و فرماندهی مرکزی نیروی دریایی این کشور به این معماری کمک می‌کند؛ از سوی دیگر ایران خود را رهبر محور مقاومت و نیروهای نیابتی نظامی می‌بیند که قصد دارند این نظم و معماری امنیتی منطقه‌ای را به چالش بکشاند؛ بحرین اخیراً یک توافقنامه امنیتی با آمریکا امضا کرده است و یک تیم رهبری باثبات برای آینده در اختیار دارد؛ آمریکا و اسرائیل نیز در برابر تمایل بحرین برای احیای روابط با ایران تماشاگر نخواهند بود و برای برهم زدن تلاش این دو کشور همسایه بیکار نخواهند نشست.	تنش ایران و آمریکا	۵
آمارهای تجاری قبل از قطع روابط، حاکی از منافع و فعالیت اقتصادی متقابل محدود باوجود نزدیکی دو کشور است؛ با توجه به این چالش‌ها و روابط دوجانبه نسبتاً محدود، بعید است که روابط ایران و بحرین به‌طور کامل توسعه یابد؛ طبق آمار منتشرشده وزارت دارایی بحرین برای سال ۲۰۰۷ میلادی، تجارت بحرین با ایران، کمتر از ۱ درصد از کل تجارت بحرین با جهان را تشکیل می‌دهد	روابط اقتصادی محدود ایران و بحرین	۶
بحرین جایی است که ناوگان پنجم آمریکا در آن مستقر است؛ ناوگان مذکور، ناوگانی عظیم در مجاورت سواحل ایران و ناظر مأموریت‌های دریایی آمریکا است؛ این رابطه راهبردی برای منامه احساس راحتی ایجاد کرد، چراکه تحت حمایت قدرتمندترین کشور جهان قرار داشت و از آنجایی که روابط واشنگتن و تهران از	استقرار نیروهای نظامی آمریکا در بحرین	۷

زمان پیروزی انقلاب، روابط پرتنشی بوده است، بنابراین منامه و حتی بسیاری از کشورهای منطقه با همسایه خود روابط پرتنشی داشتند؛ از نظر برخی از مقامات بحرین اگر امریکا در منطقه حضور نداشته باشد، ایران تلاش خواهد کرد کشورهای منطقه را وابسته به خودش کند.		
--	--	--

منبع نگارانگان

نتیجه گیری

ایران و بحرین برای فائق آمدن بر چالش‌های احیای روابط فی‌مابین باید بر انعطاف سیاسی، گفتگوی مستقیم و اعتمادسازی متقابل روی بیاورند. احیای روابط ایران و بحرین بازتاب مثبتی بر کل منطقه خواهد داشت و به کاهش تنش‌های منطقه، تقویت امنیت و همکاری اقتصادی و فرهنگی کمک خواهد کرد. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد کشورهای حاشیه خلیج فارس ترجیح داده‌اند که با نگاه به شرق و احیا و تعمیق روابط با ایران برای امنیت بلندمدت‌تری برنامه‌ریزی کنند. از سوی دیگر، اقتصاد که حرف اول را در کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌زند، به آن‌ها نشان داده است بدون امنیت راهبردی و بلندمدت، هرگونه طرح اقتصادی و توسعه‌ای غیرممکن خواهد بود؛ بنابراین، عمل‌گرایی و فایده‌گرایی راه را به کشورهای منطقه نشان داده است که تعامل سازنده با ایران با تسهیلگری و همکاری بیشتر با روسیه و چین به دست آورند. باوجود این‌ها، کشورهای عربی تمایلی به نزدیکی گسترده با ایران ندارند. هدف ایران نیز از احیای روابط با این کشورها کسب پرستیژ منطقه‌ای است. به عبارتی ایران می‌خواهد با احیای روابط با این کشورها این پیام را به دنیا بدهد که ایران یک کشور منزوی نیست و به‌رغم فشارهایی که غرب علیه آن وارد می‌کند، روابطش را با همسایگان احیا می‌کند. دلیل دیگر تنش است که ایران با کشورهای غربی دارد. وضعیت روابط ایران با کشورهای غربی و مشخصاً آمریکا و اسرائیل تأثیر منفی بر روابط ایران و کشورهای عربی دارد. به این شکل که ایران سال‌هاست که اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه را در اولویت برنامه‌های امنیتی خود قرار داده است. این در شرایطی است که بسیاری از کشورهای عربی منطقه روابط نزدیکی با آمریکا دارند. برخی از کشمکش‌هایی که بین ایران با آمریکا و مشخصاً بین ایران و اسرائیل وجود دارد؛ تأثیر به سزایی بر روابط ایران و کشورهای عربی دارد، به شکلی که کشورهای عربی هم از این وضعیت ناراضی هستند. برای مثال اخیراً خبرهایی (اتهاماتی) مبنی بر ارسال سلاح به داخل اردن برای

کمک تسلیحاتی به گروه‌های فلسطینی در کرانه باختری منتشر شده است.

این درحالی که بود که وزارت خارجه ایران به دنبال احیای روابط با اردن بود. این موضوع به‌خوبی نشان می‌دهد که تنش بین ایران و اسرائیل چگونه می‌تواند بر روابط ایران و کشورهای عربی تأثیرگذار باشد. این موضوع در رابطه با عادی‌سازی روابط هم صدق می‌کند. ایران نخواهد گذاشت روند عادی‌سازی روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل به نتیجه برسد. اگر کشورهای عربی بخواهند با اسرائیل وارد تعامل شوند که البته بخشی از آن‌ها هم شدند و ایران هم بخواهد در این روند خللی ایجاد کند، با واکنش تند کشورهای عربی مواجه خواهد شد. به‌طور کلی کشورهای عربی نگاه بسیار محتاطانه‌ای نسبت به نزدیکی روابط با ایران دارند؛ اما عادی‌سازی روابط با ایران نیز به دلیل الزامات حسن هم‌جواری دیر یا زود اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. باوجود موانع تاریخی و ژئوپلیتیکی ریشه‌دار، پیشرفت‌های دیپلماتیک اخیر بین دو کشور دلیلی برای خوش‌بینی محتاطانه است. حمد بن عیسی آل خلیفه، پادشاه بحرین در ۲۱ اکتبر ۲۰۲۴ از عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران در منامه استقبال می‌کند که نقطه عطف مهمی در روابط ایران و بحرین است که از سال ۲۰۱۶ قطع شده است. درحالی‌که بحرین و ایران هنوز روابط دیپلماتیک و اقتصادی کامل خود را احیا نکرده‌اند، سفر عراقچی گامی روبه‌جلو در روندی است که طی پنج ماه گذشته سرعت گرفته است. بااین‌حال، حاکمان سنی بحرین به ایران با سوءظن عمیق می‌نگرند. تا آنجا که به آن‌ها مربوط می‌شود، چتر امن شورای همکاری خلیج‌فارس، حمایت غالب عربستان و حمایت امریکا با حضور نظامی موجود در خاک این کشور در قالب ناوگان پنجم، همچنان سه عامل کلیدی می‌دانند که نقش مهمی در مهار سیاست‌های ایران دارند. دولت بحرین به‌خوبی می‌داند که اگر ایران درگیر یک جنگ مسلحانه منطقه‌ای شود، اکثریت شیعیان بومی آن (بحرین) همراهی خواهند کرد و به طرز نگران‌کننده‌ای توجه دارند که تظاهرات خیابانی ناشی از آن بر پیوندهای تاریخی بین دو کشور تأثیر خواهد گذاشت. اما این معضلی است که ریشه محکمی در تضاد چند صدساله قومیتی و سوءظن دارد و تا به امروز هیچ‌کس راه‌حلی دائمی برای پر کردن این شکاف پیدا نکرده است. عبدالله هاشم، سخنگوی مجلس وحدت ملی بحرین به خبرگزاری فرانسه گفته است، «دعوت سرنگونی رژیم [از سوی فعالان شیعه] شکاف عمیقی را در جامعه بحرین باز کرده است که ده‌ها سال طول می‌کشد تا بهبود یابد». با این پس‌زمینه، بحرین به اجرای توازن دشوار ادامه می‌دهد، جایی که دیپلماسی نقش خود را ایفا می‌کند، زیرا آن‌ها گهگاه حرکاتی برای آرام کردن همسایه بزرگ و حساس خود انجام می‌دهند. اما هنوز

بهبود روابط عملی نشده است. درچنین شرایطی هر دو ملت باید به این اصل قدیمی اشاره و عمل کنند که برای بقای کشورها چاره‌ای جز همزیستی مسالمت‌آمیز و حسن هم‌جواری وجود ندارد.

منابع

-آدمی، علی و همکاران (۱۳۹۰) «تحولات انقلابی بحرین و تعارضات مذهبی و ژئوپلیتیکی

ایران و عربستان» فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۴(۱۰)

<https://www.sid.ir/paper/173093/fa>

-پرتوی مقدم، عباس (۱۳۸۵) «بحرین چرا و چگونه از ایران جدا شد؟»، فصلنامه مطالعات

تاریخی، شماره ۱۵، <https://ensani.ir/fa/article/72797>

-خبرگزاری تسنیم، ۱۶ مهر، ۱۴۰۰، امیر عبداللهیان: با عربستان به توافقات مشخصی رسیده‌ایم/

به رژیم صهیونیستی اجازه فعالیت در قفقاز را

نمی‌دهیم، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/07/16/>

- خبرگزاری تسنیم، ۴ بهمن، ۱۴۰۰، «وحیدی: فرصت‌های خوبی برای توسعه سیاست

همسایگی فراهم شده است»

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/11/04/2649987>

-خبرگزاری فارس، ۲۷ مرداد ۱۴۰۳، «قومیت روابط با همسایگان؛ گسترش حریم امنیتی»

<https://farsnews.ir/miladmaniee/>

-درج، حمید و نورانی بنام، کاظم (۱۴۰۰) «عربستان به‌کارگیری سیاست کنترل و مهار ایران در

بحرین» فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۴(۲۴)

https://pg.um.ac.ir/article_40390.html

-درج، حمید و سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۷) «رویکرد سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال

خیزش مردم بحرین» فصلنامه مطالعات انقلاب

اسلامی، ۱۵(۵۳) <https://ensani.ir/fa/article/388646>

-گوهری مقدم، ابوذر و همکاران (۱۴۰۲) «سیاست همسایگی در سیاست خارجی ج.ا.ایران؛

الگو پیشنهادی و توصیه‌های سیاسی» فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲(۱۰۰)

https://quarterly.risstudies.org/article_177552.html

-هدایتی، مهدی و همکاران (۱۳۹۷) «دلایل استمرار منازعه ایران و عربستان در بحران بحرین»

پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۹(۳۵).

<https://sanad.iau.ir/Journal/jpir/Article/945304/FullText>

-Alfoneh , Ali(2012)"Between Reform and Revolution: Sheikh

- Qassim, the Bahraini Shi'a, and Iran" American Enterprise Institute, <https://www.aei.org/>
- Andersen, Lars Erslev(2012), "Bahrain and the global balance of power after the Arab Spring", https://pure.diis.dk/ws/files/56066/WP2012_10_Bahrain_global_power_balance_LEA_web.pdf
- Al-Hashimi, Qassem, (September 8, 2011) "Bahrain is America's Front Line, Fars News, <https://farsnews.ir>.
- Alfoneh, Ali(2012) "Between Reform and Revolution: Sheikh Qassim, the Bahraini Shi'a, and Iran," AEI Middle East Outlook www.aei.org/outlook/foreign-and-defense-policy
- Abrahamian Ervand, (2008)"A History of Modern Iran ,UK", Cambridge University Press, <https://www.amazon.com/History-Modern-Iran-Ervand-Abrahamian/dp/0521528917>-Adamiyat, Fereydoun (1955)"Bahrein Islands: A Legal and Diplomatic Study of the British-Iranian Controversy" New York: Praeger, <https://onlinebooks.library.upenn.edu/>
- Bahrain News Agency, (June 29, 2011) "HM King Hamad, Sets Up Royal Independent Investigation Commission," <http://bna.bh/portal/en/news/462963>
- Bassiouni, Mahmoud & et al., (December 10, 2011) "Report of the Bahrain Independent Commission of Inquiry", Manama, Bahrain: Bahrain Independent Commission of Inquiry www.bici.org.bh/BICIreportEN.pdf.
- Breitbart,(2008) "World Powers, Arabs Share Concern on Iran's Nuclear Program" <http://www.breitbart.com/article.php?id>
- Breitbart, (2008) "World Powers, Arabs Share Concern on Iran's Nuclear Program" <http://www.breitbart.com/>
- Beblawi, Hazem(1987), "The Rentier State in the Arab World." Arab Studies Quarterly, Vol. 9, No. 4, <https://www.jstor.org/stable/41857943?seq=1>
- Congressional Research (2024)"-Bahrain: Issues for U.S. Policy" Service <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/RS/95-1013>
- Cafiero, Giorgio(2023)" Why overcoming tensions in Bahrain-Iran relations will be tough",<https://www.newarab.com/>
- Cafiero, Giorgio (2024)"Will Bahrain and Iran turn a new page? There's been talk of it", <https://www.atlanticcouncil.org/>
- Chubin,Sahram & Zabih,Sepehr (1974), "The Foreign Relations of

- Iran", <https://www.google.com/books/edition/>
- Charles Kurzman (2004), "The Unthinkable Revolution in Iran", Massachusetts: Harvard University Press, <https://www.jstor.org/stable/j.ctv136c5c7>
- Elwazer, Schams(2013) "Bahrain Enacts Stiff Laws against 'Terrorism' Before Opposition Protests," CNN, www.cnn.com/2013/07/29/world/meast/bahrain-protests/.
- (2024)"Bahrain seeks to bolster ties with Iran", <https://www.fdd.org/>
- FDD
- Fuller, Graham E and Francke, Rend Rahim(2001)The Arab Shi'a The Forgotten Muslims, Palgrave Macmillan, https://www.google.com/books/edition/Arab_Shi_a/IeHwwAEACAAJ?hl=en
- Gengler, Justin J(2011)Ethnic Conflict and Political Mobilization in Bahrain and the Arab Gulf, University of Michigan, <http://bk1.gigalib.org/1860000/735311ea8732f990ca44da29ad3599a7.pdf>
- International Monetary Fund. Middle East and Central Asia Dept(2023)"Gulf Cooperation Council: Economic Prospects and Policy " [https:// www.elibrary.imf.org/configurable/content](https://www.elibrary.imf.org/configurable/content)
- MENAFN News, (2011)"Bahrain to resume gas talks with Iran" <https://www.menafn.com/>
- Hubbard, Ben (March 14, 2018) "Saudi Crown Prince Likens Iran's Supreme Leader to Hitler," The New York Times,, <http://bit.ly/3Gn4xHI>.
- Menafn News,(July,23,2011)"Bahrain to resume gas talks with Iran" https://www.menafn.com/qn_news_story_s.asp?StoryId
- Middle East Policy Council, (2024)"Bahrain, Iran to restore political relations"<https://mepc.org/commentaries/bahrain-iran-to-restore-political-relations>
- Marubeni Washington Report(2024)"Biden's Middle East Policy: Israel-Saudi Normalization as Cornerstone to an Integrated Middle East",<https://www.marubeni.com/>
- Kristian Coates Ulrichsen, (2020)"Qatar and the Gulf Crisis", <https://www.hurstpublishers.com/book/qatar-and-the-gulf-crisis/>
- Kapanadze, Maia(2021(" Bahrain and Iran - Saudi Arabia Controversy", Journal of Iran and Central Eurasia Studies, https://jices.ut.ac.ir/article_
- , Mehran (2007)"Iranian national security debates: -Kamrava Factionalism and lost opportunities" Middle East Policy,

<https://onlinelibrary.wiley.com/>

- Kizilaslan, Merve Ayşe (October 4, 2021), "Saudi-Iranian Diplomacy Has Begun to Intensify. What Does It Signify?," TRT World, <https://bit.ly/3GhswIv>

-Lynch Marc, (2019) "Does the Decline of U.S. Power Matter for the Middle East?" The Washington Post, <https://bit.ly/3N5WYIh>

-Luciani, Giacomo (1990) "Allocation vs. Production States: A Theoretical Framework",

https://www.researchgate.net/publication/285162150_

-Reuters, (2024) "Bahraini King says looking forward to improved relations with Iran", <https://www.reuters.com/world/Bahraini>

-Ross, Michael L. (2008) "Oil, Islam, and Women." American Political Science Review 102(1)

[https://www.cambridge.org/core/journals/american-political-science-review/article/abs/oil-islam-and-](https://www.cambridge.org/core/journals/american-political-science-review/article/abs/oil-islam-and-women/CEE4A4C723242BB163E7208DA21724BA)

[women/CEE4A4C723242BB163E7208DA21724BA](https://www.cambridge.org/core/journals/american-political-science-review/article/abs/oil-islam-and-women/CEE4A4C723242BB163E7208DA21724BA)

-Saab, Bila (2017) "Iran's long game in Bahrain",

<https://www.atlanticcouncil.org/in-depth->

-Shawamreh, Nashat, (2023) "Regional geopolitics and the second negev summit" <https://www.washingtoninstitute.org/policy->

-The Guardian, (July, 11, 2011) "U.S Embassy Cables: The Documents," <http://www.guardian.co.uk/world/series/>

-Wright, Steven (2016), "Iran's relations with Bahrain",

<https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3>

-Xinhua, (2021) "China, Bahrain to set example of equal treatment, mutual respect between big, small countries: Chinese FM",

<http://www.xinhuanet.com/english/>

Neighborhood Policy and Restoration of Relations between Iran and Bahrain

Rauf Rahimi

Assistant Professor, Department of political Science, Faculty of Humanities, University of Bojnord, North Khorasan, Iran

Bahareh Sazmand

Associate Professor, Department of Regional studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Bahrain is the only country of the Persian Gulf Cooperation Council that has not yet normalized its diplomatic relations with Iran. Its main regional allies, Saudi Arabia and the UAE, improved their relations with Iran more than a year ago. The current research, which employs the explanatory research method, examines the benefits and obstacles associated with the resurgence of relations between the two countries. The question that arises is: why is the relationship between Bahrain and Iran moving towards the restoration of diplomatic relations after breaking off four times? We propose the following hypothesis as a potential explanation: Under the current global and regional circumstances, the Bahraini government believes that establishing strong ties with Tehran could potentially reduce the areas of conflict between Iran and Bahrain, as well as the likelihood of protest movements operating in this country and receiving Iranian support. Furthermore, the restoration of Bahrain's relations with Iran can play an effective role in regional peace and stability, as well as the continuation of Bahrain's economic growth. The research findings suggest that the primary driving force behind Bahrain's decision to reestablish relations with Iran is the current global and regional conditions. The government of Bahrain recognizes the need for stability and has concluded that Iran poses a significant threat to this country. Therefore, it should pursue a de-escalation process with Iran to enhance stability in the turbulent region and sustain its economic growth.

Keywords: Restoration of diplomatic relations, Persian Gulf region, Regional balance, Neighborhood policy, Stability and security